



The structure of openings of the Qajarid official correspondence

Hossein Ahmadi Rahbarian¹ | MaghsodAli Sadeghi Gandomani²

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Abstract:

Purpose: This paper has examined the structure of the openings of the Qajarid domestic and foreign correspondence.

Methodology and Research Design. Archival records and library resources were examined to collect data for this paper.

Findings and Conclusion: The structure of the introduction consisted of three parts: addressing, titles and prayers. Since the Qajarid period, the initiation of domestic and foreign official correspondence, depending on the importance of the letter, became shorter. The prayer line was not used for domestic correspondence and only one title was used for the addressee. With regard to foreign correspondence, prayer and complementary phrases were rarely used. The introduction to most of the Qajarid correspondence followed the Brotherhood principles.

Keywords:

Informative pillar; Bureaucracy; Brotherhood; Correspondence; Qajarids.

1. PhD Student, History of Iran, Tarbiat Modarres University, Tehran. I. R. Iran, (Corresponding Author), Hossein_rahbarian@yahoo.com
 2. Associate Professor, Department of History, Tarbiat Modarres University, Tehran. I. R. Iran
m_sadeghi@modares.ac.ir
- Copyright © 2019, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«115»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/GANJ.2019.2383

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 29, No. 3, Autumn 2019 | pp: 100 -117 (18) | Received: 12, Jul. 2018 | Accepted: 16, Sep. 2018

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

ساختار رکن مطلع در مکاتبات عصر قاجار

حسین احمدی رهبریان^۱ | مقصود علی صادقی گندمانی^۲

چکیده:

هدف: بررسی ساختار رکن مطلع در مکاتبات داخلی و خارجی در دیوان سالاری عصر قاجار. روش/ رویکرد پژوهش: مقاله با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از اسناد و مدارک آرشئولوژی و منابع کتابخانه‌ای تنظیم شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: ساختار نامه‌های دیوانی از سه بخش رکن مطلع، رکن حال، و رکن خاتمه تشکیل می‌شود. اجزای رکن مطلع هم شامل سه بخش خطاب، القاب، و دعا است. با روی کار آمدن حکومت قاجار، رکن مطلع در مکاتبات دیوانی داخلی و خارجی کوتاه‌تر شد. کوتاهی و بلندی مطلع در دوره قاجار در مرحله اول به ارزش و اهمیت نامه بستگی داشت. معمولاً در مکاتبات داخلی دیوان سالاری قاجار، بخش دعا در رکن مطلع به کار نمی‌رفت و از بین خطاب و القاب هم یکی از آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. در مکاتبات خارجی دعا و القاب به ندرت استفاده می‌شد و به طور کلی رکن مطلع در بیشتر مکاتبات عصر قاجار از اصول نامه‌های اخوانی تبعیت می‌کرد.

کلیدواژه‌ها:

رکن مطلع؛ دیوان سالاری؛ اخوانیات؛ مکاتبات؛ قاجار.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، (نویسنده مسئول).

Hossein_rahbarian@yahoo.com

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

m_sadeghi@modares.ac.ir



گنجینه اسناد

«۱۱۵»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۱۹.۲۳۸۳

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC, و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۹، دفتر ۳، پاییز ۱۳۹۸ | صص: ۱۰۰-۱۱۷ (۱۸)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۲۱ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۲۵

تحقیقات تاریخی

مقدمه

فن دبیری و انشاء، جزوی از شغل منشیان و دبیران ایران باستان بود. پس از ظهور اسلام کارکرد دیوان انشاء و دیوان طغرا در دربارهای ایرانی وسیع تر شد. فن انشاء از قرن ششم، بیشتر ترویج یافت و کتاب‌هایی برای آموزش این فن نوشته شد که تا دوران صفوی و قاجار هم تدوین آن‌ها ادامه یافت. این کتاب‌های آموزشی با مطالعه نامه‌های قدیمی تر به اصولی دست پیدا می‌کردند و آن را به صورت مکتوب به آیندگان انتقال می‌دادند.

نثر ادب فارسی از حکومت سلجوقیان به بعد به تدریج متکلف شد و این رویه در نامه‌های دیوانی تا دوران صفوی و افشار ادامه پیدا کرد. علاوه بر متن ادبی متکلف، اجزای سند از جمله مهر، تحمیدیه، طغرا و تاریخ هم با تشریفات رعایت می‌شد. ولی به نظر می‌رسد که گسترش دیوان‌سالاری و در نتیجه افزایش تعداد مکاتبات در دوره قاجار، سبب کنارگذاشتن برخی از این تشریفات شده باشد. در واقع رواج ساده‌نویسی در مکاتبات یکی از ویژگی‌های نثر دوره قاجار است. ساده‌نویسی با تألیف منشآت قائم‌مقام فراهانی آغاز شد. از ویژگی‌های این کتاب، نزدیکی نثر آن به زبان گفت‌وگو و استفاده از الفاظ و عبارات عامیانه است. منشآت قائم‌مقام یکی از بزرگ‌ترین آثار ادبی عصر قاجار است. قائم‌مقام با این اثر، انقلابی در ساده‌نویسی نثر فارسی به وجود آورد و به تدریج پس از او ساده‌نویسی در نثر فارسی بیشتر رواج یافت. پس از قائم‌مقام، حاجی میرزا آقاسی که از طبقه روحانیون فرودست بود، به بالاترین مقام دیوانی رسید و ساده‌زیستی‌اش در روش حکومتی تأثیر گذاشت؛ به طوری که برخی از تشریفات رایج در حکمرانی کمرنگ‌تر شد و این رویه در دوران صدارت امیرکبیر تا نهضت مشروطه جدی تر دنبال شد.

به دلیل اینکه نامه‌های اداری عصر قاجار به سوی ساده‌نویسی گرایش داشت، نثر ادبی نامه‌های اخوانی در مطلع این نامه‌ها کاربرد پیدا کرد. از شاخص‌های نامه‌های اخوانی، نامشخص بودن مخاطب و موضوع نامه است (منتجب‌الدین بدیع، ۱۳۹۶، ص ۵۰)؛ البته یکی از روش‌هایی که با استفاده از آن می‌توان به مخاطب این نوع نامه‌ها پی برد، شناخت شکل و محتوای مطلع این نامه‌هاست. به طور کلی ساختار یک نامه کامل دیوانی به ترتیب از سه بخش رکن مطلع، رکن حال و رکن خاتمه تشکیل می‌شد و رکن مطلع یا مقدمه نامه قسمتی از متن بود که تاحد امکان می‌بایست زیباتر ترتیب داده می‌شد و به همین سبب در آداب دبیری و ترسل، بیشتر به آن توجه می‌شد و منشیان و دبیران قدرت و تسلط ادبی خود را در انشاء و تنظیم آن نشان می‌دادند. مطلع و مقدمه کامل شامل سه جزء خطاب، القاب، و دعا بوده است (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۱۵۴). از عبارات‌های مطلع نامه تا اندازه‌ای می‌توان به هویت شخص فرستنده و گیرنده پی برد. در این جا برای نمونه به رکن مطلع



کامل در نامه نادرشاه به سیدمحمدپاشا صدراعظم عثمانی اشاره می شود که در آن خطاب و القاب و دعا با خط تیره جدا شده است.

«جناب معالی نصاب، وزارت و حشمت و اقبال پناه، ابهت و عظمت و اجلال دستگاه، شهامت و بسالت انتباه^۱ - عالی جاه قدوة الوزراء^۲ العظام، عمدة الامراء الفخام^۳، ناظم الامور بالرأى الصائب، کافل^۴ المهام^۵ الجمهور بالفکر الثاقب مؤتمن^۶ الدولة العلیة الخاقانیه، معتمد السلطنة البهیة^۷ السلطانیة، وزیر صاحب تدبیر صافی رأی، مشیر صائب ضمیر مُلک آرای، دستور اکرم افخم، صدر معظم محترم، نظام العالم وزیر اعظم - رفیع الله تعالی شأنه و ضاعف اقباله به تعلیمات مکرمت مشحون خدیوانه و تکریمات از حدافزون خسر وانه معزز و گرامی بود» (نصیری، ۱۳۶۴، ص ۸۷).

درباره نحوه مطلع نویسی در اسناد دوره قاجار پژوهش مستقلی انجام نشده است؛ تنها جهانگیر قائم مقامی در کتاب مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی به صورت کلی نگاهی به این موضوع داشته است.

۱. پژوهش حاضر با بررسی مطلع نامه های دیوانی دوره قاجار به دنبال پاسخ به پرسش های زیر است:

۲. ویژگی مطلع نامه های شاه و شاهزادگان و دیوانیان در دوره قاجار چیست؟

۳. تفاوت مطلع نامه ها در مکاتبات داخلی و خارجی دوره قاجار چیست؟

رویکرد ساده نویسی در نامه های اخوانی، تا چه اندازه در رکن مطلع در دیوان سالاری دوره قاجار تأثیر گذاشته است؟

۱. رکن مطلع در مکاتبات داخلی

در متون تاریخی، نامه ها و منشآت را به دو دسته سلطانیات و اخوانیات دسته بندی کرده اند؛ و به طور کلی اسناد تاریخی از جمله نامه ها به چهار دسته مالی و حقوقی، اخوانی، سلطانی، و دیوانی تقسیم شده اند (قائم مقامی، ۱۳۵۰، ص ۴۲؛ روستایی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۴). این تقسیم بندی از متون قرون میانه نشأت گرفته است و برای عصر قاجار چندان دقیق نیست. در واقع در عصر قاجار، دیوان سالاری ایران گسترده شد و بالطبع در زندگی مردم بیشتر دخالت داشت و در نتیجه ادبیات مکاتبات این دوره را تحت تأثیر قرار داد و سبک انواع نامه ها در یکدیگر ترکیب شد. برای نمونه نامه های سلطانی و دیوانی تحت تأثیر سبک نامه های اخوانی قرار گرفت.

مضمون مکاتبات اخوانی نیز بیشتر در زمینه مسائل جاری زندگی از قبیل شکایت از محرومیت ها و مصائب گوناگون، دوری و هجران، جفای دوستان، سعایت دشمنان و

۱. بسالت / basalat / شجاعت.
۲. قدوه / qodve / رهبر؛ پیشوا؛ مقتدا.
۳. فخامت / faxamat / بزرگواری؛ تنومندی.
۴. کافل؛ ضامن؛ کفیل.
۵. مهام / maham / جمع مهم؛ کارهای بزرگ و دشوار.
۶. ثاقب؛ نافذ.
۷. بهیه / bahiyye / تابان؛ درخشان؛ فاخر؛ شکوهمند



قدرشناسی خدمات افراد صالح در امور کشوری و کناره‌جویی و گوشه‌گیری افراد مجرب و کهن سال است (ثابتیان، ۱۳۴۳، ص ۳۵۵). نامه‌های اخوانی با عبارت‌های اول‌شخص مفرد آغاز می‌شود و عبارت «تصدقت شوم» و یا «عرضه خاک پای مبارک می‌دارد» از جمله عبارت‌های مرسوم در مطلع این نوع نامه‌هاست (ساکما، ۲۹۵/۷۶۹۷، صص، ۱۰۴، ۱۱۳، ۱۰۹، ۲۷۴).

منظور از اسناد سلطانی در این پژوهش، نامه‌هایی است که دست‌خط شاه در آن‌ها وجود داشته باشد؛ نامه‌هایی از طرف شاه خطاب به صدراعظم و وزیران و شاهزادگان و یا از طرف اشخاص مذکور خطاب به شاه. منظور از اسناد دیوانی اسنادی است که فرستنده یا گیرنده، دیوان و دولت باشد. در بخش اسناد سلطانی، محتوای رکن مطلع در مکاتبات داخلی سلاطین قاجار و در قسمت اسناد دیوانی، محتوای رکن مطلع نامه‌های اشخاص در دیوان‌سالاری بررسی می‌شود.

۱.۱. رکن مطلع در مکاتبات سلطان

نامه‌های شاهان قاجار بیشتر خطاب به صدراعظم بود. این نامه‌ها با تحمیدیه ساده «هو» آغاز می‌شد و بعضاً هم بدون تحمیدیه بود (ساکما، ۲۹۵/۷۶۹۷، صص ۱۹۴ و ۲۱۶). در میان شاهان قاجار نامه‌های محمدشاه به حاج میرزا آقاسی به لحاظ واژگانی با صدراعظم‌های قبل و بعد از او تفاوت داشت؛ زیرا محمدشاه او را مراد و مرشد خود می‌دانست. «جناب حاجی سلمه‌الله تعالی» و «جُعِلْتُ فِدَاكَ»، «فدایت شوم»، «روحی فداک»، «جناب روح پاک»، «رأی آنچه تو اندیشی» و «حکم آنچه تو فرمایی» عبارت‌هایی است که محمدشاه در رکن مطلع در نامه‌هایش به آقاسی به کار می‌برد (شمیم، ۱۳۸۹، ص ۱۲۴؛ ساکما، ۲۹۵/۷۶۹۷، ص ۱۴۸). ولی سلاطین بعد از محمدشاه، شخص صدراعظم را معمولاً بدون خطاب و با لقب رسمی مانند «جناب امین‌السلطان»، «جناب صدراعظم»، «جناب اشرف اتابک اعظم» خطاب قرار می‌دادند و بعضاً نیز بدون آوردن نام و القاب، نامه را آغاز می‌کردند (نک: گزارشات امین‌الدوله به ناصرالدین‌شاه؛ صفایی، بی تا ب، صص ۲۳۷، ۲۴۱؛ کسروی، ۱۳۸۵، ص ۴۴۶). هم‌چنین شاه در آغاز نامه برای خطاب به اشخاص نزدیکی که در دربار حضور داشتند، از القابشان مانند «امین خلوت» استفاده می‌کرد (افشار، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۵۱). شاه حتی برخی مواقع فرزندش (جانشینش) را با عبارت ساده «ولیعهد» خطاب قرار می‌داد (افشار، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۴۶). ولی خطاب شاه به حاکمان ولایات با عبارت‌های رسمی بود؛ برای نمونه آن‌ها را با عبارت‌هایی همچون «عالیجاها، مجدت و نجدت همراه، مقرب الخاقان» و یا با عبارت‌های کوتاه‌تر «جناب فخرت‌نصاب» خطاب



قرار می‌داد (اصفهانیان و غفاری، ۱۳۹۴، ج ۵، صص ۳ و ۵). شاه در مکاتبات داخلی از بین القاب و خطاب یکی را انتخاب می‌کرد؛ به این شکل که معمولاً در آغاز نامه برای افراد نزدیک‌تر درباری از القاب و برای دیگر صاحب‌منصبان از خطاب استفاده می‌کرد. در این بین دستورهای ناصرالدین‌شاه چنانچه درباره موضوع حقوقی یا اداری مهمی بود با مهر طغرای می‌شد و در غیر این صورت عمدتاً بدون مهر بود و تنها یک تحمیدیۀ ساده «هو» در آن نوشته می‌شد (افشار، ۱۳۸۶، ج ۲، صص ۳۳، ۴۶).

شاه در پاسخ به نامه صدر اعظم، برگه نامه را ۹۰ درجه به سمت چپ می‌چرخاند و دستور را در سمت راست یا چپ معمولاً راست-بالای صفحه می‌نوشت (ساکما، ۲۹۵/۷۶۹۷، صص ۱۰۲، ۱۸۷، ۱۹۱). البته در نامه‌های دوره ناصرالدین‌شاه دیده شده است که وقتی برگه نامه کوچک بوده، شاه ناچار می‌شده است به جای بالای نامه، در پشت نامه، دستور را به صدر اعظم بدهد و حتی برای افراد درون دربار مانند پیشکاران در ذیل نامه هم دستور صادر می‌شده است (صفایی، بی تا ب، صص ۲۳۷؛ افشار، ۱۳۸۶، ج ۲، صص ۱۹۰). در واقع از زمان مظفرالدین‌شاه دستورهای شاه در زیر نامه‌ها زیادتر شد و این توضیحات شاه با امضاء همراه بود (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ۱۳۷۰، ج ۴، صص ۴۳۷، ۴۹۲). بعدها برخی از این نامه‌ها مجلد و پاسخ‌های شاه با رنگ و نقش مزین می‌شد (ن.ک: گزارشات امین الدوله به ناصرالدین‌شاه).

معمولاً رکن مطلع نامه صدر اعظم به شاه با جملاتی شبیه «قربان خاک پای آسمان‌سای همایونت گردم» (ساکما، ۲۹۵/۷۶۹۷، صص ۵۶) و یا عبارت کوتاه‌تر «قربان خاک پای مبارک شوم» (ساکما، ۲۹۵-۷۶۹۷، صص ۱۷۱) آغاز می‌شد و انتهای نامه‌ها هم معمولاً با عبارت «زیاده جسارت ندارم» و در پی آن «الأمرُ الأشرف مطاع» یا «حکم حکم همایون است» تمام می‌شد و گاهی قبل از واژه «مطاع» کلمه «الأقدس» نیز می‌آمد (صفایی، بی تا الف، صص ۳۹، ۴۰، ۴۴؛ ساکما، ۲۹۵/۷۶۹۷، صص ۱۷۱). این رویه در دوره حکومت ناصری و مظفری هم تقریباً ادامه داشت و تنها در برخی عبارات تغییراتی اندک وجود داشت. برای نمونه صدر اعظم در ابتدای نامه خود به شاه معمولاً از عبارت «قربان خاک پای اقدس همایونت گردم» و در انتهای نامه خود از عبارت «الأمرُ الأقدسُ الأعلى مطاع» استفاده می‌کرد و گاهی کلمه «مطاع» را دو بار یا بیشتر هم می‌آورد (صفایی، ۱۳۵۲، صص ۴۸، ۲۵۷). این روند خطاب‌قراردادن شاه حتی پس از صدور فرمان مشروطیت نیز وجود داشت (کسروی، ۱۳۸۵، صص ۴۴۵). البته این نوع نوشتن عریضه به شاه فقط به صدر اعظم منحصر نبود و عامه مردم هم به همین شکل به شاه نامه می‌نوشتند؛ ولی این عریضه‌ها به ندرت مستقیماً به دست شاه می‌رسید. در واقع عریضه‌های مردمی در غالب گزارش از سوی صدر اعظم و یا وزیران به شخص شاه داده

می‌شد. قائم‌مقامی درباره‌ی روند نامه‌نگاری عریضه‌ها در زمان محمدشاه می‌نویسد:
«رسم چنین بود که عرایض و شکایات نخست به‌نظر صدراعظم می‌رسید و او بر بالای عریضه می‌نوشت: «به‌نظر همایون برسد». آنگاه پادشاه اوامر لازم را شفاهی صادر می‌کرد و یا در حاشیه‌ی عریضه به‌خط خود می‌نوشت. بعد صدراعظم می‌نوشت: «حکم حکم پادشاه ذی‌جاه روحنا فداه است» و سپس به‌دفا‌تر ذی‌ربط فرستاده می‌شد تا به همان طریق معمول دارند» (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۳۰۴).

به‌نظر می‌رسد که این نوع از اسناد از لحاظ ماهیت سندشناسی «سند فصول» باشد. سند فصول به گزارش‌ها و عرایض امرای سرحد و حکام ولایات گفته می‌شد که در آن مشکلات و مسائل دیوانی و حکومتی محدودۀ مسئولیت خود را به شاه عرض می‌کردند تا در مجلس عام و یا خاص در حضور او خوانده شود (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۱۰۹). به‌لحاظ شکلی این اسناد از اصول گوشواره‌ای سیاق پیروی می‌کند و احتمالاً وجود دفعه‌های متعدد که به‌صورت خط‌های کشیده‌شده است و به‌نوعی فصل‌بندی عرایض است، در نام‌گذاری این نامه‌ها به اسناد فصول بی‌ربط نباشد. به هر شکل در مطلع برخی از این نامه‌ها، ابتدا در یک دفعه بزرگ عنوان «به خاک‌پای همایونی عریضه رسمی» می‌آمد و در دفعه بعدی نام صدراعظم آورده می‌شد (نامه‌های حسام‌السلطنه...، برگ ۵؛ ساکما، ۲۹۵/۷۶۹۷، صص ۱۱۳، ۲۷۹).

در مکاتبه شاهزادگان با شاه برخی از عبارات مطلع نامه تغییر می‌کرد. ولیعهد در نامه‌هایش شاه را با عبارت «تصدق خاک‌پای اقدس همایونت شوم» خطاب قرار می‌داد و معمولاً اگر این شاهزاده از لحاظ سنی از شاه بزرگ‌تر بود -همانند عمه یا عموی شاه- در آغاز نامه خود شاه را با عبارت‌هایی کوتاه‌تر مانند «قربان خاک‌پای مبارک شوم» و یا «قربان خاک‌پای مبارکت گردم» خطاب قرار می‌داد؛ ولی در این بین، زنان صیغه‌ای حرم‌سرا، شاه را با همان عبارت‌های رایج مورد استفاده دولت‌مردان مانند «قربان خاک‌پای جواهرآسای مبارک شوم» خطاب قرار می‌دادند. اگر شاهزاده‌ای مقامی دولتی داشت هم، همان عبارت رایج دولت‌مردان را برای خطاب به شاه به‌کار می‌برد (عبدامین، ۱۳۹۴، ش ۲۶، صص ۸۷-۹۸؛ اصفهانیان و غفاری، ۱۳۹۴، ج ۵، ص ۱۰۷؛ منتخب منشآت، ۱۲۸۶ق، ص ۳۳۹). ولیعهد، صدراعظم را با عبارت «جناب مستطاب اجل اشرف اکرم صدراعظم» خطاب قرار می‌داد و صدراعظم، ولیعهد را با عبارت «قربان خاک‌پای انور مبارک شوم» خطاب قرار می‌داد (اصفهانیان و غفاری، ۱۳۹۴، ج ۵، صص ۵۲۶، ۵۳۳). به این ترتیب در مطلع نامه‌های سلطانی و درون‌درباری، ترتیب کامل رکن مطلع رعایت نمی‌شد و خطاب و القاب در نامه‌ها به عبارت‌های اخوانی نزدیک بود.



۲.۱. رکن مطلع در مکاتبات دیوانیان

عریضه به صدراعظم در مکاتبات دیوانی به صورت رسمی با «بندگان حضرت اشرف» آغاز می‌شد و اگر اتابک^۱ شاهزاده نیز بود، در ابتدا «نواب مستطاب...» آورده می‌شد. کلمه «نواب» لقب مخصوص شاهزادگان بود و پس از آن کلمه «مستطاب» یا «ارفع» آورده می‌شد. ولی در نامه به وزیران که به لحاظ طبقاتی پایین‌تر از شاهزادگان بودند، در مطلع لقب «بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم افخم» به کار برده می‌شد. حاکمان ولایتی نیز که پایین‌تر از وزیران بودند، با عنوان «حضرت مستطاب اجل اکرم» خطاب می‌شدند؛ ولی اگر حاکم نسب شاهزادگی داشت در اول القابش به جای عبارت قبلی، عبارت «نواب مستطاب ارفع امجد» گذاشته می‌شد. برای افراد پایین‌تر از حاکمان یعنی نظامیان از لقب «سرکار مقرب الخاقان» و برای خادمان دربار مانند فرارش‌باشی هم از لقب «مقرب الحضرة» استفاده می‌شد (مکاتبات و سیاق، بی‌تا، صص ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۳، ۲۳۴). البته برخی مقام‌های درباری مانند فرارش‌باشی یا وقایع‌نگار دربار از سوی صدراعظم با عبارت‌هایی همچون «مخدوم من» یا «مخدوم مطاع مشفق مهربان من» خطاب قرار می‌گرفتند (قائم‌مقام فراهانی، بی‌تا، صص ۶، ۸۳).

با وجود عبارت‌های رسمی در مطلع نامه‌های دیوانی بازهم بیشتر مکاتبات بین وزیران و حکام حالت اخوانی پیدا می‌کرد (گروسی، بی‌تا، صص ۷۲-۷۶). برای نمونه صدراعظم حاج میرزا آقاسی با عناوینی چون «جناب حاجی سلمه‌الله تعالی» و یا «حاجی» خطاب قرار می‌گرفت (ساکما، ۷۶۹۷-۲۹۵، ص ۹۰). حاجی میرزا آقاسی از روی سیاست و یا از روی درویش‌مسلکی از گرفتن القابی در شأن صدراعظمی دوری می‌کرد؛ در حالی که صدراعظم‌هایی مانند میرزاتقی خان و میرزا حسین خان با القابی پرطمطراق چون «امیرکبیر» و «سپه‌سالار اعظم» خطاب قرار می‌گرفتند و شاید همین موضوع یکی از دلایل کوتاه‌بودن دوران وزارت آن‌ها نسبت به میرزا آقاسی بود. تمایل به درویش‌مسلکی آقاسی با ساده‌نویسی همخوانی داشت و این موضوع در مطلع نامه‌های مردم به او نمود پیدا می‌کرد که گاهی او را با لقب بدون تکلف «حاجی» خطاب قرار می‌دادند و در انتهای نامه عبارت «امرکم مطاع» را می‌آوردند (ساکما، ۷۶۹۷/۲۹۵، ص ۴۲).

در نامه‌های شاهزادگان و درباریان قاجار به نزدیکانشان از عبارت‌های صمیمانه استفاده می‌شده است و متعاقباً گسترش مناصب دیوانی در بین این خاندان‌ها در ترویج نامه‌های اخوانی در دستگاه دیوانی هم مؤثر بوده است. نامه‌های اخوانی دارای اسلوب و ویژگی خاصی بود. در صورتی که فردی کوچک‌تر قصد داشت به بزرگ‌تر خود مانند عمو، دایی یا برادر بزرگ‌تر خود نامه بنویسد، نامه را با عبارت‌های «تصدقت شوم»، «فدایت

۱. اتابک /atabak/ در دوره قاجار وزیر بزرگ، وزیر اعظم، حاکم محلی.



شوم»، «قربانت گردم»، «به عرض عالی می‌رساند»، «خداوندگارا»، «قبله‌گاهها» آغاز می‌کرد و زمانی که شخص بزرگ‌تر مانند پدر می‌خواست فرزندش را خطاب قرار دهد، از عبارت‌های «نور چشم عزیزم، فرزند ارجمند، ارجمند کامکار، عزیز الوجود، نور چشمان مکرمان، عالی جنابا» استفاده می‌کرد. عناوینی چون «قربان حضور مبارک شوم»، «قربان حضورت گردم» و یا «فدایت شوم» از جمله عبارت‌های مرسوم در نامه فرزندان به پدران در دیوان‌سالاری بود که تا سطح بالای دیوان‌سالاری هم کاربرد داشت (فرومند، بی‌تا، صص ۱۵-۲۰؛ گروسی، بی‌تا، صص ۱۵۹-۱۶۴؛ مکاتبات و سیاق، بی‌تا، صص ۷، ۱۳، ۸، ۱۴، ۲۵، ۳۷، ۴۱، ۴۳، ۴۵؛ مجمع‌المراسلات، بی‌تا، صص ۲۰-۳۰). اشخاص هم‌سن یا غیرهم‌سن ولی دوست نزدیک از عبارت‌هایی مانند «به عرض عالی می‌رساند، عرض می‌شود، صاحب‌مکرما، مودت‌شعارا، مطاعاً محترماً معظماً، عزیز بهتر از جانا، دوست عزیزا» در نامه‌های خود استفاده می‌کردند (مکاتبات و سیاق، بی‌تا، صص ۵۱-۶۱).

نامه‌های اخوانی حکام به صدراعظم معمولاً با عنوان «روحی فداک»، «فدایت گردم»، «برادر مهربانا»، و «قربانت شوم» آغاز می‌شد (ستوده و امیری، ۱۳۹۱، صص ۴۶-۶۰). زمانی که فردی درباری که ممکن بود شاهزاده نیز باشد، می‌خواست به برادرش نامه بنویسد، نامه‌اش را با عبارت «نور چشمما» و یا «نورچشما مهربانا»، «نور چشم مهربان من» آغاز می‌کرد و پسرش را که مقامی دولتی داشت با عبارت «فرزند» و یا «گرامی فرزند» خطاب قرار می‌داد (اصفهانیان و غفاری، ۱۳۹۴، صص ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۹۴، ۲۹۵). به این ترتیب به نظر می‌رسد که سبک ادبی رکن مطلع در مکاتبات رسمی دوره قاجار، به دلیل روابط دوستانه و خویشاوندی و هم‌چنین گسترش حجم مکاتبات و لزوم سرعت و ساده‌نویسی در نامه‌نگاری دیوانی به سبک نامه‌های اخوانی نزدیک شده باشد. ساده‌نویسی، در مکاتبات علما و روحانیون با دیوانیان به اوج می‌رسد. علما برای نوشتن نامه به صدراعظم با عبارت «عرض می‌شود» آغاز می‌کردند (نک. به صفایی، ۱۳۵۲؛ ساکما، ۲۹۵/۷۴۷۸، صص ۸۸، ۱۲۰، ۱۵۹، ۱۸۸) و حتی زمانی که علما می‌خواستند بی‌واسطه و بدون خطاب و القاب و دعا به شاه نامه بنویسند، عبارات «عرضه می‌دارد» و یا «عرض می‌شود» و یا «عرضه داشت» را در رکن مطلع به کار می‌بردند و در برخی از نامه‌ها پس از خطاب و القاب عبارت «عرضه می‌دارد» را می‌آوردند (ساکما، ۲۹۵/۷۴۷۸، صص ۱۷۵؛ افشار، ۱۳۸۶، ج ۵، صص ۵۳۶ و ۳۷۲-۳۵۰؛ کسروی، ۱۳۸۵، صص ۱۲، ۸۵). هم‌چنین زمانی که یکی از علما می‌خواست به یک روحانی بلندپایه دیگر نامه بنویسد، در ابتدای نامه از عبارت «معروض می‌دارد» استفاده می‌کرد؛ ولی زمانی که دولت‌مردی می‌خواست روحانی‌ای را خطاب قرار دهد، نامه را با عنوان «به شرف عرض حضور مقدس عالی می‌رساند» و یا «به عرض مقدس حضرت مستطاب می‌رساند»



آغاز می‌کرد (مکاتبات و سیاق، بی تا، ص ۲۳۵؛ کسروی، ۱۳۸۵، ص ۹۱). مطلع نامه‌های علما به رجال دیوانی حتی به شخص شاه هم در بسیاری از مواقع بدون خطاب و القاب و دعا بود. به این ترتیب به نظر می‌رسد که مطلع نامه‌های دیوانی علما از سبک نامه‌های اخوانی دو فرد هم‌سن یا دو دوست نزدیک تبعیت می‌کرده است.

۲- رکن مطلع در مکاتبات روابط خارجی

تا پیش از دوره قاجار، مطلع نامه‌ها به‌ویژه در نامه‌های شاهان ایران در روابط خارجی بسیار طولانی و متکلفانه بود؛ ولی در دوره قاجار این روند کوتاه‌تر شد. برای نمونه رکن مطلع (خطاب و القاب و دعا) در نامه فتح‌علی شاه به ناپلئون تقریباً نصف رکن مطلع نامه‌های شاهان ایران به شاهان عثمانی در دوره صفوی و افشار است (نویسی، ۱۳۶۸، ص ۲۳۵؛ کاووسی عراقی و احمدی، ۱۳۷۶، ص ۵۲).

در این جا به دو نامه پیش از عصر قاجار اشاره می‌کنیم:

نامه شاه سلطان حسین به ابراهیم پاشا صدر اعظم عثمانی

«وزارت و ایالت‌پناه، جلالت و بسالت‌دستگاه، شوکت و حشمت‌انتباه، عمدۀ وزرای صاحب‌احتشام، قدوة امرای عالی‌مقام، وزیر روشن‌ضمیر صائب‌رأی، مشیر صاحب‌شمشیر مُلک‌آرای، مدبر امور الجمهور بالرائی الرزین^۱، متمّم مهامم الأنام بالفکر المتین، مؤتمن الدولة العلیة السلطانية، معتضد السلطنة البهية العثمانية، سردار باهر^۲ الأقتدار معظم، صدر رفیع‌القدر مکرم، ابراهیم پاشا وزیر اعظم - رفع شأنه به تعظیفات گوناگون ملاطفت‌آیین شاهانه و تکریمات از حدفزون عطف‌قرین پادشاهانه راقی^۳ مراقی^۴ احترام بوده...» (نویسی، ۱۳۶۳، ص ۱۷۰).

نامه نادرشاه به سلطان محمود اول عثمانی

«لآلی متلألئ دَعَوَات^۵ وافیات اجابت‌نمون، و جواهر زواهر^۶ تحیات طیبات مؤالفت مقرون^۷ از مخزن مودت و عتبه^۸ بی‌عیب محبت هدیۀ بزم شریف و موقف مُنیف^۹ اعلیٰ حضرت^{۱۰} فلک‌رفعت خورشید طلعت^{۱۱} مشتری سعادت، دادار جهاندار عدالت‌گستر، داور سلیمان‌جاه فریدون‌فر، خدیو ممالک‌گشای کشورگیر، خسرو مهرافسر^{۱۲} گردون‌سریر، اعظم سلاطین جهان، افخم قوانین^{۱۳} دوران، قامع‌المشرکین، ضیل الله فی الأرضین، سلطان البرین خاقان البحرین، ثانی اسکندر ذوالقرنین، خلیفه اسلام‌پناه، پادشاه انجم‌سپاه سپهر بارگاه، السلطان الغازی محمودخان، لازالت^{۱۴} ظلال^{۱۵} خلافته مبسوطه و الویة^{۱۶} جلاله مرفوعه - ساخته

۱. رزین / razine / باوقار؛ استوار؛ گران‌مایه.

۲. باهر؛ ظاهر؛ آشکار.

۳. راقی / raqi / ترقی‌کننده؛ کسی که مدارج

علم و دانش را پیموده باشد.

۴. مراقی / maraqi / جمع مرقات؛ نردبان‌ها؛

مدارج.

۵. دَعَوَات / da'ava / جمع دعا.

۶. زواهر؛ جمع زاهره؛ روشن‌ها؛ بلندها.

۷. عتبه؛ آستانه؛ درگاه.

۸. مُنیف / monif / والا؛ بلندمرتبه.

۹. مهرافسر؛ خورشیدتاج.

۱۰. قوانین؛ جمع قان (خاقان)؛ پادشاه بزرگ؛

لقب پادشاهان مغول.

۱۱. همیشه؛ پیوسته.

۱۲. ظلال؛ جمع ظل؛ سایه‌ها؛ سایه‌بان‌ها

۱۳. الویه / alviye / پرچم‌ها؛ جمع لواء؛

علم‌های فوج؛ نشان‌های لشکر.



مشهور در آرای جهان آرای همایون می دارد که...» (نصیری، ۱۳۶۴، ص ۱۴۳).

در دوره فتح علی شاه و محمدشاه نامه‌های فراوانی بین درباریان و سفیران خارجی ردوبدل می شد که در رکن مطلع این نوع مکاتبات چند ویژگی به چشم می خورد: رکن مطلع نامه‌های این دوره از دوره افشار و صفوی کوتاه تر و ساده تر نوشته شده است. در این نامه‌ها سفیران با عباراتی یکدست خطاب قرار داده نشده اند؛ بلکه در جمله پردازی‌ها تنوع وجود داشت. در این نامه‌ها معمولاً رکن مطلع برای شاهزاده‌ها از رکن مطلع برای صدراعظم طولانی تر است. البته طول رکن مطلع در مرحله اول به اهمیت و طولانی بودن نامه‌ها بستگی داشته است؛ بدین نحو که در نامه‌های بسیار کوتاه، مطلع نیز کوتاه آورده می شده است (قائم مقامی، ۱۳۵۸، صص ۸۶، ۸۸، ۹۰، ۹۴). رکن مطلع نامه‌های صدراعظم به مسئولان بلند پایه تر مانند صدراعظم یا شاه کشوری خارجی نسبتاً طولانی تر بود و این رویه در عبارت پردازی نامه‌های صاحب منصبان خارجی به مسئولان ایرانی نیز رواج داشت (نصیری، ۱۳۶۸، ج ۲، صص ۱۹۷، ۲۰۸؛ ظهیرنژاد ارشادی، ۱۳۸۱، صص ۳۶، ۳۷). البته گاهی نامه‌های سفرای خارجی به وزیر خارجه حالت دوستانه پیدا می کرد و مطلع نامه با عبارت «فدایت شوم» آغاز می شد. در این نوع نامه‌ها در بالای نامه کلمه «دوستانه» آورده می شد (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۴۲۲).

ولی چنانچه شاه و یا صدراعظم می خواستند به سفیر خود در خارج از کشور نامه‌ای رسمی بنویسند، معمولاً او را نیز با عبارات مرسوم در روابط خارجی خطاب می کردند؛ ولی اگر سفیر در مأموریت خارجی نبود او را با ترکیبی از عبارت‌های رسمی و اخوانی خطاب قرار می دادند. برای نمونه میرزا آقاسی، میرزاتقی خان را زمانی که در مأموریت خارجی نبود با عنوان «فرزندم وزیر نظام» یا «مقرب الخاقانا فرزند» خطاب قرار می داد (نصیری، ۱۳۶۸، ج ۲، صص ۲۰۲، ۲۲۶، ۲۳۲؛ آل داود، ۱۳۹۰، ص ۱۹۸). وزیر خارجه نیز از سوی صدراعظم و یا سفرای ایران در خارج از کشور و یا حاکمان ولایات بعضاً با خطابه‌های اخوانی مانند «فدایت شوم»، «قربانت شوم»، یا «تصدقت شوم» خطاب قرار داده می شد؛ ولی به طور کلی، رجال دیوانی، وزیر خارجه را در مطلع نامه با عبارت‌های طولانی و رسمی خطاب قرار می دادند (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ج ۴، صص ۳۶۰، ۳۶۶، ۳۹۲، ۴۲۲، ۵۴۲، ج ۵، ص ۱۰۷). وزیر خارجه نیز عموماً در رکن نامه به سفرای ایران در خارج از کشور، آن‌ها را با عناوینی رسمی مانند «جناب فخامت نصابا» و «جناب جلالت مآب» خطاب قرار می داد (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ج ۲، صص ۲۴۰، ۳۰۶).

مطلع در نامه‌های دیوانی به سفرای خارجی چنانچه نامه رقم یا فرمان بود - یعنی دارای طغرای «حکم والا شد» و یا «حکم همایون شد» بود - با واژه «آنکه» آغاز می شد، سپس



خطاب می‌آمد و رکن مطلع با آمدن کلمه «بداند» تمام می‌شد. این رویه از دوره صفوی وجود داشت؛ ولی تفاوت آن با دوره قاجار این بود که در دوره صفوی برای اشخاص حقوقی داخلی و خارجی استفاده می‌شد، ولی در زمان قاجار برای افراد داخلی به جای «آنکه» کلمه «که» در ابتدای مطلع (در خطاب) می‌آمد. عبارت «آنکه... بداند» نشان‌دهنده خطاب از بالا به پایین از طرف مقامات عالی‌رتبه ایرانی به مقامات پایین‌تر خارجی است. این عبارت مخصوص شاه و برخی از شاهزادگان بود و از کاربرد آن می‌توان حدس زد که مؤلف نامه شاه یا نایب‌السلطنه بوده و مخاطب نامه مقامی خارجی همچون وزیرمختار بوده است (نویسی، ۱۳۶۸، صص ۲۸۳، ۲۸۸؛ نصیری، ۱۳۶۸، ج ۲، صص ۶۷، ۶۸، ۷۴، ۸۶). میان نایب‌السلطنه و شاهزاده با صدراعظم در رکن مطلع در نامه به سفرای خارجی به لحاظ نثر ادبی اندکی تفاوت وجود داشت. برای نمونه صدراعظم در رکن مطلع در پایان هر عبارت خطابی از حرف ندای (ا) استفاده می‌کرد، مانند «عالیجاها، دوستا، مهربانا»، ولی در نامه‌های نایب‌السلطنه و شاهزادگان حرف ندای آخر کلمات به ندرت به کار می‌رفت (فائز مقامی، ۱۳۵۸، صص ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۸).

در مکاتبات روابط خارجی ارکان مطلع لزوماً به ترتیب و یا کامل آورده نمی‌شد. عمدتاً فقط بخش خطاب در مطلع نامه وجود داشت و به جای القاب فقط نام فرد آورده می‌شد و یا حتی مکتوب بدون اشاره به نام افراد نوشته می‌شد. در بیشتر موارد مطلع بدون دعا بود و یا به جای آخر در ابتدا آورده می‌شد و این رویه در مطلع نامه‌های شاهان خارجی مثل شاه عثمانی یا هند به شاه ایران نیز وجود داشت. تفاوت‌های دیگری هم در این نامه‌ها وجود داشت؛ برای نمونه مطلع نامه‌ها بعضاً با دعا و یا آیه قرآن و حمد و سپاس خدا آغاز می‌شد و پس از آمدن کلمه «امابعد» بخش خطاب آغاز می‌شد و بعضاً در خطاب از یک بیت شعر هم استفاده می‌شد؛ البته این سبک به دوران قاجار منحصر نبود، بلکه این سنت از دوران صفوی وجود داشت (میرزا صالح، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۱۶، ج ۲، ص ۴۵؛ نویسی، ۱۳۶۳، ص ۱۵۷؛ نویسی، ۱۳۶۸، صص ۲۵۴، ۴۰۲، ۵۰۳).

نتیجه‌گیری

نامه‌نگاری و تنظیم اسناد در آیین دیوان‌سالاری ایرانی قواعد و اصول خاص خود را داشت. نامه‌های دیوانی پیش از دوره قاجار از سه بخش رکن مطلع، رکن حال و رکن خاتمه تشکیل می‌شد. رکن مطلع خود دارای سه بخش خطاب، القاب و دعا بود. مطلع نامه‌ها تا پیش از دوره قاجار متکلف و طولانی بود؛ ولی با ظهور حکومت قاجار به تدریج ساده‌تر و کوتاه‌تر شد. با روی کار آمدن حکومت قاجار سیاست‌های تمرکزگرایانه گسترش پیدا



کرد و سبب گسترش دیوان سالاری شد که در نتیجه سرعت در مکاتبات هم ضرورت پیدا کرد. برای افزایش سرعت مکاتبات در دستگاه دیوان سالاری قاجار، از سبک ساده نویسی نامه‌های اخوانی استقبال شد.

در مکاتبات داخلی سلطان، بخش دعا تقریباً حذف شد و به نظر می‌رسد که خطاب را هم جزو القاب می‌دانستند و کاربرد یکی از آن دو را در مطلع کافی می‌دانستند. رکن مطلع صدراعظم و وزیران خطاب به شاه به لحاظ عبارت پردازی در طول دوره قاجار تفاوتی معنادار نداشت؛ ولی رکن مطلع شاه خطاب به وزیران به اهمیت و طولانی بودن نامه بستگی داشت. در میان شاهان قاجار رکن مطلع نامه‌های محمدشاه به صدراعظم خود (حاج میرزا آقاسی) به نامه‌های اخوانی بسیار شباهت داشت؛ چون شاه خود را مرید او می‌دانست. رکن مطلع نامه‌های ناصرالدین شاه در ارتباط با افراد نزدیکی که در دربار حضور داشتند از صدراعظم گرفته تا فرآش‌باشی عمدتاً اخوانی بود؛ ولی در ارتباط با حاکمان و وزیران و نظامیان از عبارت‌های رسمی استفاده می‌شد. القاب شاهزادگان، وزیران، حاکمان ولایتی و روحانیون به لحاظ ادبی هر کدام رسومی خاص داشت؛ ولی به دلیل گسترش نامه‌های اخوانی این رسوم همیشه رعایت نمی‌شد.

در مکاتبات خارجی نیز بخش دعا و القاب چندان کاربردی نداشت و به جای لقب از نام فرد استفاده می‌شد. به این ترتیب رکن مطلع در مکاتبات خارجی سلاطین قاجار نزدیک به نصف رکن مطلع در مکاتبات خارجی سلاطین صفوی و افشار بود. رکن مطلع در مکاتبات خارجی شاهزادگان معمولاً طولانی‌تر از صدراعظم بود که البته اندازه رکن مطلع در درجه اول به اهمیت و ارزش محتوایی نامه بستگی داشت. در صورتی که شاه ایران می‌خواست به صورت آمرانه به سفیری خارجی نامه بنویسد، مطلع را با کلمه «آنکه» آغاز می‌کرد و با آوردن کلمه «بداند» به پایان می‌رساند.

منبع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): ۲۹۵/۷۴۷۸؛ ۲۹۵/۷۶۹۷.

نسخه‌های خطی

گزارشات امین‌الدوله به ناصرالدین شاه. شماره‌بازیابی ۱۳۳۹۱. کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
نامه‌های (مکاتبات) حسام‌السلطنه حاکم خراسان. شماره‌بازیابی ۱۴۱۸۸. کتابخانه مجلس شورای اسلامی.



کتاب

- آل داود، سیدعلی. (۱۳۹۰). *اسناد و نامه‌های امیرکبیر*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- اصفهانیان، کریم؛ غفاری، بهرام. (۱۳۹۴). *اسناد تاریخی خاندان غفاری*. (ج ۵). تهران: بنیاد موقوفات افشار یزدی.
- افشار، ایرج. (۱۳۸۶). *اسناد تاریخی خاندان غفاری*. (ج ۲). تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- ثابتیان، ذ. (۱۳۴۳). *اسناد و نامه‌های دوره صفویه*. تهران: کتابخانه ابن سینا.
- روستایی، محسن. (۱۳۹۵). *ادبیات تاریخی و دیوان‌سالاری ایران "عهد مغول تا سرآغاز دولت صفویه"*. تهران: ندای تاریخ.
- ستوده، منوچهر؛ امیری، علی. (۱۳۹۱). *اسناد گزارش‌های پراکنده حکام ولایات ایران*. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- شمیم، علی‌اصغر. (۱۳۸۹). *ایران در سلطنت دوره قاجار*. تهران: بهزاد.
- صفایی، ابراهیم. (۱۳۵۲). *نامه‌های تاریخی*. تهران: چاپ‌خانه رشديه.
- صفایی، ابراهیم. (بی تا الف). *اسناد سیاسی دوران قاجاریه*. تهران: چاپ شرق.
- صفایی، ابراهیم. (بی تا ب). *یکصد سند تاریخی*. تهران: انتشارات بابک.
- ظهيرنژاد ارشادی، مینا. (۱۳۸۱). *اسنادی از روابط ایران و انگلیس در عهد محمدشاه قاجار*. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- فرومند، علی. (بی تا). *احسن المراسلات*. چاپ سنگی.
- قائم‌مقام فراهانی، ابوالقاسم بن عیسی. (بی تا). منشآت. (فرهاد میرزا، تدوین گر). تهران: انتشارات کتاب‌فروشی علمیه اسلامیة طهران.
- قائم‌مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۰). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*. تهران: انجمن آثار ملی.
- قائم‌مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۸). *نامه‌های سیاسی و تاریخی سیدالوزرا قائم‌مقام فراهانی (در باره معاهده صلح ترکمانچای و غرامات آن)*. تهران: دانشگاه تهران.
- کاوسی عراقی، محمدحسن؛ احمدی، حسین. (۱۳۷۶). *اسنادی از روابط ایران و فرانسه در دوره فتح‌علی شاه قاجار*. تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- کسروی، احمد. (۱۳۸۵). *تاریخ مشروطه ایران*. تهران: امیرکبیر.
- گروسی، حسن علی خان. (بی تا). منشآت حسن علی خان گروسی. چاپ سنگی.
- گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی: دوره قاجاریه. (۱۳۷۰). (ج ۲، ۴). تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- مجمع‌المراسلات. (بی تا). چاپ سنگی. تهران: چاپخانه اسلامیة.
- مکاتبات و سیاق. (بی تا). چاپ سنگی. شماره بازیابی: ۶۳/۸/۲۱. موجود در کتابخانه تخصصی اسلام و ایران.



- منتجب‌الدین بدیع، علی بن احمد. (۱۳۹۶). *عتبة‌الکتبه: گزیده‌ای از مراسلات دیوان سلطان سلجوقی*. (مریم صادقی، کوشش گر). تهران: نگاه معاصر.
- منتخب منشآت*. (۱۲۸۶ق). (میرزاهمدرضا بن محمدرحیم‌بیگ کلهر، گردآورنده). بی‌جا: دارالطباعه آفاسیدمهدی بن آفاسیدمحمدباقر.
- میرزاصالح، غلام‌حسین. (۱۳۶۵). *اسناد رسمی در روابط سیاسی ایران با انگلیس و روس و عثمانی*. (ج ۱ و ۲). تهران: نشر تاریخ ایران.
- نصیری، محمدرضا. (۱۳۶۴). *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران: دوره افشاریه*. گیلان: جهاد دانشگاهی دانشگاه گیلان.
- نصیری، محمدرضا. (۱۳۶۸). *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران: دوره قاجار*. (ج ۲). تهران: کیهان.
- نوایی، عبدالحسین. (۱۳۶۳). *اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از سال ۱۱۱۵ تا ۱۱۳۵ ه ق*؛ همراه با یادداشت‌های تفصیلی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- نوایی، عبدالحسین. (۱۳۶۸). *شاه‌اسماعیل صفوی: مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی*. تهران: انتشارات ارغوان.

مقاله

- عبدامین، مجید. (۱۳۹۴). «مجموعه عرایض و نامه‌های اشخاص به ناصرالدین‌شاه». *پیام بهارستان*، ش ۲۶، صص ۸۵-۱۱۸.

English Translation of References

Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran): 295/7697; 295/7697.[Persian]

Manuscripts

“*Gozārešāt-e Amin od-Dowleh be Nāsered-Din Šāh*” (Amin Al-Dowlah’s reports to Nasser Al-Din Shah). Retrieval number: 13391. Ketābxāne-ye Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Library of Iran Parliament).[Persian]

“*Name-hā-ye (Mokātebāt-e) Hesāmos-Saltaneh hākem-e Xorāsān*” (Letters (correspondences) of Hessam Al-Saltaneh, the governor of Khorasan). Retrieval number: 14188. Ketābxāne-ye Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Library of Iran Parliament).[Persian]



Books

- Afshar, Iraj. (1386/2007). *“Asnād-e tārixi-ye xāndān-e Ghaffāri”* (Historical documents of Iran Qajar period: Ghaffari family record) (vol. 5). Tehran: Bonyād-e Mowqūfāt-e Afšār (Dr. Mahmoud Afshar Foundation). [Persian]
- AleDavoud, Seyyed Ali. (1390/2011). *“Asnād va nāme-hā-ye Amir Kabir”* (Amir Kabir's documents and letters). Tehran: Sāzmān-e Asnād-e Melli-ye Irān (National Archives Organization of Iran). [Persian]
- Esfahanian, Karim, & Ghaffari, Bahram. (1394/2015). *“Asnād-e tārixi-ye xāndān-e Ghaffāri”* (Historical documents of Iran Qajar period: Ghaffari family record) (vol. 5). Tehran: Bonyād-e Mowqūfāt-e Afšār Yazdi (Dr. Mahmoud Afshar Foundation). [Persian]
- Farhoumand, Ali. (n. d.). *“Ahsan ol-morāselāt”* (The best correspondences). Čāp-e Sangi. [Persian]
- Garrousi, Hasan Ali Khan. (n. d.). *“Monšā'āt-e Hasan Ali Xān-e Garrusi”* (The epistolary writings of Hassan Ali Khan Garroosy). Čāp-e Sangi. [Persian]
- GhaemMaghamFarahani, Abolghasem Ibn Isa. (n. d.). *“Monšā'āt”* (Epistolary writings). Edited by Farhad Mirza. Tehran: Enteshārāt-e Ketāb-foroušī-ye 'Elmie-ye Eslāmie-ye Tehrān. [Persian]
- GhaemMaghami, Jahangir. (1350/1971). *“Moqaddame-ee bar šenāxt-e asnād-e tārixi”* (An introduction to recognition of historical documents). Tehran: Anjoman-e Āsār-e Melli (Society for the National Heritage of Iran). [Persian]
- GhaemMaghami, Jahangir. (1358/1979). *“Nāme-hā-ye siāsi va tārixi-ye Seyyedol-vozarā Qā'emMaqām-e Farāhāni: Darbāre-ye mo'āhede-ye solh-e Torkamāncāy va qarāmāt-e ān”* (The political and historical letters of Seyyed Al-Vozara [the chief of ministers] Vice-Chancellor GhaemMaghamFarahani: On Turkmenchay peace treaty and its compensations). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]
- “Gozide-ye asnād-e siāsi-ye Irān va Osmāni: Dowre-ye Qājārieh”* (Selection of Iranian and Ottoman political documents: The Qajar period) (vol. 2 & 4). (1370/1991). Tehran: Daftar-e Motāle'āt-e Siāsi va Bein-ol-melali (Institute for Political and International Studies). [Persian]
- Kasravi, Ahmad. (1385/2006). *“Tārixe-ye mašrute-ye Irān”* (History of the Iranian con-



- stitutional revolution). Tehran: Amir Kabir.[Persian]
- KavousiAraghi, Mohammad Hasan, & Ahmadi, Hossein. (1376/1997). “*Asnādi az ravābet-e Irān va Farānseh dar dowre-ye Fath Ali Šāh-e Qājār*” (Some documents on Iran and France relations during the period of Fath Ali Shah Qajar). Tehran: Enteshārāt-eVezārat-e Xārejeh (Center for International Research and Education of the Ministry of Foreign Affairs) (CIRE). [Persian]
- “*Majma’ ol-morāselāt*” (The collection of correspondences). (n. d.). Tehran: Čāpxāne-ye Eslāmīeh.[Persian]
- Mirza Saleh, Gholam Hossein. (1365/1986). “*Asnād-e rasmi dar ravābet-e siāsi-ye Irān bā Engelīs va Rus va Osmāni*” (Official documents on Iran’s political relations with Britain, Russia and the Ottomans) (vol. 1 & 2). Tehran: Našr-e Tārix-e Irān.[Persian]
- “*Mokātebāt va siāq*” (Correspondences and registers). (n. d.). Čāp-e Sangi. Retrieval number: 63/8/21. Available at Ketābxāne-ye Taxassosi-ye Eslām va Irān (Specialized Library on Islam and Iran). [Persian]
- Montajab Al-Din Badī, Ali Ibn Ahmad. “*Atabatol-kataba: Gozide-ee az morāselāt-e divān-e soltān-e Saljuqi*” (Writing threshold: Selection of the court records of the Seljuk Sultan’s court). Edited by Maryam Sadeghi. Tehran: Negāh-e Mo’āser. [Persian]
- “*Montaxab-e monša’āt*” (Selected epistolary writings). (1286 AH / 1869). Collected by Mīrza Mohammad Reza Ibn Mohammad Rahim Beig Kalhor. No place of publication: Dārot-Tebāe-ye ĀqāSeyyed Mahdi Ebn-e ĀqāSeyyed Mohammad Bāqer.[Persian]
- Nasiri, Mohammad Reza. (1364/1985). “*Asnād va mokātebāt-e tārixī-ye Irān: Dowre-ye Afšārieh*” (Historical documents and correspondences of Iran: The Afshariperiod). Gilan: Jahād-e Dānešgāhi-ye Dānešgāh-e Gilān (Higher Education Research Institute, Rasht). [Persian]
- Nasiri, Mohammad Reza. (1368/1989). “*Asnād va mokātebāt-e tārixī-ye Irān: Dowre-ye Qājār*” (Historical documents and correspondences of Iran: The Qajar period) (vol. 2). Tehran: Keyhān.[Persian]
- Navayi, Abd Al-Hossein. (1363/1984). “*Asnād va mokātebāt-e siāsi-ye Irān az sāl-e 1115 tā 1135 AH; Hamrāh bā yāddāšt-hā-ye tafsilī*” (Iranian political docu-



- ments and correspondences from 1115 to 1135 AH (1703 – 1723), with detailed notes). Tehran: Mo'assese-ye Motāle'āt va Tahqiqāt-e Farhangi (Institute of Humanities and Cultural Studies). [Persian]
- Navayi, Abd Al-Hossein. (1368/1989). “*Šāh Esmā'eel-e Safavi: Majmu'e-ye asnād va mokātebāt-e tārixī*” (Shah Esmail Safavi: The collection of historical documents and correspondences). Tehran: Enteshārāt-e Arqavān. [Persian]
- Roustayi, Mohsen. (1395/2016). “*Adabiāt-e tārixī va divan-sālāri-ye Irān: Ahd-e Moqol tā sarāqāz-e dowlāt-e Safavih*” (Iranian Historical and court Literature: From the Mongol era to the Beginning of the Safavid period). Tehran: Nedā-ye Tārix. [Persian]
- Sabetian, Z. (1343/1964). “*Asnād va nāme-hā-ye dowre-ye Safavih*” (Documents and letters of the Safavid era). Tehran: Ketābxāne-ye Ebn-e Sinā. [Persian]
- Safayi, Ebrahim. (n. d. a). “*Asnād-e siāsī-ye dōwrān-e Qājārieh*” (Political documents of the Qajar era). Tehran: Čāp-e Šarq. [Persian]
- Safayi, Ebrahim. (n. d. b). “*Yek sad sanad-e tārixī*” (One hundred historical documents). Tehran: Enteshārāt-e Bābak. [Persian]
- Shamim, Ali Asghar. (1389/2010). “*Irān dar saltanat-e dowre-ye Qājār*” (Iran in the era of Ghajar empire). Tehran: Behzād. [Persian]
- Sotoudeh, Manouchehr, & Amiri, Ali. (1391/2012). “*Asnād-e gozāreš-hā-ye parākānde-ye hokkām-e velāyāt-e Irān*” (Documents of the scattered reports of the provincial governors of Iran). Tehran: Ketābxāneh, Muzeva Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament). [Persian]
- Zahir Nejad Ershadi, Mina. (1381/2002). “*Asnādi az ravābet-e Irān va Engeliš dar ahd-e Mohammad Šāh-e Qājār*” (Some documents on Iranian-British relations in the era of Mohammad Shah Qajar). Tehran: [Persian]

Articles

- Abd Amin, Majid. (1394/2015). “Majmu'e-ye arāyez va name-hā-ye ašxās be Nāsered-Din Šāh” (A collection of sayings and letters to Nasser Al-Din Shah). *Payām-e Bahārestān*, 26, pp. 85-118. [Persian]

